درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری

**جلسه98 – 11/. 2/ 1397 انحلال علم اجمالی/ قاعده احتیاط**

خلاصه :

در جلسه گذشته بحث را در شبهه غیر محصوره به پایان رساندیم و در نهایت به این نتیجه رسیدیم که هر چند موافقت قطعیه شبهه غیر محصوره لازم نیست اما مخالفت قطعیه آن حرام است. در موارد شک در محصوره و غیر محصوره بودن شبهه نیز احتیاط در طرف اول جایز نیست ولی اجتناب از طرف بعدی در صورت احراز وجود داعی نوعی بر ارتکاب جمیع اطراف، لازم است.

در این جلسه درباره انحلال علم اجمالی به واسطه حصول علم تفصیلی یا حصول علم اجمالی در دایره کوچک­تر و هم چنین حقیقی یا حکمی بودن آن بحث خواهیم کرد.

**انحلال علم اجمـالی**

اگر در موارد علم اجمالی، نسبت به برخی از اطراف علم تفصیلی حاصل شده یا علم اجمالی در دایره کوچک­تری ایجاد شود، علم اجمالی اول منحل می­شود؟ ظاهراً اختلافی در انحلال وجود نداشته و تنها بحث از حقیقی یا حکمی بودن این انحلال است. تفاوت انحلال حقیقی و حکمی در این است که اگر انحلال حقیقی باشد، علم اجمالی از بین رفته اما اگر انحلال حکمی باشد، علم اجمالی هر چند وجود دارد اما موجب تنجیز نیست. بین این دو در شرایط انحلال تفاوت­هایی وجود دارد که در ادامه درباره آن سخن خواهیم گفت.

**تنقیح محل نزاع توسط شهید صدر;**

شهید صدر;[[1]](#footnote-1) بحث اصلی انحلال را در پاسخ به تمسک به علم اجمالی بر لزوم احتیاط در شبهات بدویه بیان کرده است. در این مبحث، یکی از وجوهی که اصولی­ها به نفع اخباری­ها بر لزوم احتیاط اقامه کرده و بدان پاسخ داده­اند، علم اجمالی است. اصولی­ها در پاسخ به این استدلال، علم اجمالی را منحل دانسته و این بحث را مطرح می­کنند که این انحلال حقیقی است یا حکمی؟ ایشان در بحث قاعده احتیاط[[2]](#footnote-2) گذرا به بحث انحلال پرداخته و به مباحث در کلام اخباری­ها ارجاع داده است. سید حائری نیز تمام مباحث مرتبط با انحلال حتی مباحثی را که در بحث قاعده احتیاط مطرح است، به ادله احتیاط انتقال داده تا مباحث انحلال در یک جا به صورت کامل جمع شده باشد.

شهید صدر; در تنقیح محل نزاع می­گوید: سه صورت قابل فرض است. در صورت اول، در معلوم بالاجمال خصوصیتی وجود دارد که در معلوم بالتفصیل نیست. مثلاً علم اجمالی به نجاست دمویه وجود داشته و علم تفصیلی به نجاست یکی از دو اناء به نحو معین حاصل شده است. در این صورت، علم اجمالی به نجاست دمویه حقیقتاً از بین نمی­رود و تنها سخن در انحلال حکمی است. در صورت دوم، معلوم بالتفصیل ناظر به تعیین معلوم بالاجمال است. مثل این که یقین دارم پسر زیدی که مردّد بین دو نفر است، بیمار بوده و پس از آن متوجه شوم، پسر زید کدام یک از این دو نفر است. در این صورت، علم اجمالی حقیقتا از بین می­رود.[[3]](#footnote-3)

پس این دو صورت از محل بحث خارج است. صورت سوم که محل نزاع در آن است، این صورت است که معلوم بالاجمال خصوصیت زائدی بر معلوم بالتفصیل نداشته و معلوم بالتفصیل نیز مشخّص کننده معلوم بالاجمال نباشد. مرحوم نائینی در این صورت، قائل به انحلال حقیقی بوده و مرحوم آقا ضیاء قائل به انحلال حکمی است.

شهید صدر; به تفصیل این بحث را پی گرفته و چون بسیاری از مباحث ایشان مبتنی بر مبانی معروف در علم اجمالی است که به نظر ما اصل این مبنا مورد اشکال است، به تفصیل وارد بررسی مباحث ایشان نمی شویم و تنها گذرا و به هدف آشنایی با کلام ایشان، آن را مطرح می­کنیم.

**مبانی در حقیقت علم اجمالی**

در حقیقت علم اجمالی سه مبنای اصلی وجود دارد. مرحوم آخوند علم اجمالی را علم به فرد مردّد معنا می­کند. ظاهراً ایشان در حاشیه بحث واجب تخییری بیان کرده: همانگونه که علم اجمالی وصفی حقیقی است اما معروض آن شیء مردد است، وجوب تخییری نیز می­تواند وصفی حقیقی بوده ولی معروض آن شیء مردّد باشد. ایشان توضیح بیشتری را در مراد از علم به فرد مردّد ارائه نداده است.

مرحوم نائینی علم اجمالی را مرکّب از علم به جامع و شک در اطراف دانسته است. و مرحوم آقا ضیاء، علم اجمالی را علم به واقع دانسته نه علم به جامع. ایشان از همین مبنا نتیجه گرفته که علم اجمالی علت تامه در تنجیز است بر خلاف مرحوم نائینی که علم اجمالی را در مرحله وجوب موافقت قطعیه علت تامه ندانسته و وجوب موافقت قطعیه را نتیجه تساقط اصول مرخصّه در اطراف می­داند.

به نظر ما، حقیقت علم اجمالی هیچ یک از مبانی سه گانه نیست. البته امکان دارد تحلیل ما از حقیقت علم اجمالی با مبنای مرحوم آخوند هماهنگ باشد اما ایشان توضیحی برای مبنای خویش نداده و ظاهر مبنای ایشان متفاوت از تحلیل ما در حقیقت علم اجمالی است. به نظر ما، فارق بین علم اجمالی و علم تفصیلی در نفس علم است نه در معلوم به این معنا که در علم اجمالی اشاره حسّیه امکان نداشته و در علم تفصیلی اشاره حسّیه ممکن است. فرض کنید علم اجمالی به نجاست اناء شرقی یا اناء غربی دارید. در این فرض، هر دو اناء به نحو معلوم اجمالی، معلوم من هستند شبیه مفهوم تناظر یک به دو که در ریاضیات مطرح است. به عبارتی دیگر، در علم اجمالی صورت ذهنیه وجود دارد ولی بحث از حقیقت آن نیست بلکه بحث از نحوه ارتباط این صورت ذهنیه با خارج است. در علم تفصیلی، صورت ذهنیه حاکی از خارج است به نحو حکایت و کاشفیت معیّنه همراه با امکان اشاره حسّیه اما علم اجمالی، حکایت از خارج دارد اما به نحو حکایت تردیدیه و هر دو طرف، معلوم هستند نه یکی از آنها. پس در علم اجمالی، اجمال در ذات علم است نه در معلوم.

خلاصه آنکه، به نظر ما تفاوت علم اجمالی و علم تفصیلی در نحوه رابطه علم با خارج در افق ذهن عالم است. نه در حقیقت صورت ذهنیه که روشن است عالم و معلوم در ذهن اتحاد دارد و نه در رابطه علم با خارج در عالم واقع که لازمه آن مصیب بودن تمام علم هاست و این باطل است. بلکه تفاوت در رابطه بین علم با خارج در افق ذهن عالم است که معلوم بالعرض می باشد. در علم تفصیلی، اشاره حسّیه وجود داشته و حاکی از شیء معین است اما در علم اجمالی اشاره حسّیه وجود نداشته و از شیء مردّد حکایت می کند.

برای روشن شدن بحث تنها در یک صورت مثالی را طرح کرده و تطبیق می کنیم و سایر صور نیز به همین منوال است. فرض کنید: علم داریم یکی از دو اناء، اناء زید بوده و به نحو قضیه منفصله حقیقیه می دانیم هر دو اناء، متعلق به زید نیست. از سویی دیگر، علم اجمالی به نجاست اناء زید داریم. در این مثال، محکّی اناء زید اناء معینی از این دو اناء است که واقعا متعلق به زید است و علم اجمالی از همین اناء واقعی زید حکایت

می کند اما به نحوی که در این حکایت اشاره حسّیه امکان ندارد. پس در اناء زید تعیّن وجود دارد هر چند نتوان به آن اشاره حسّیه داشت.

در حقیقت سه نوع عنوان را می توان تصویر کرد. برخی از عناوین به نحو معیّن از شیء حکایت داشته و امکان اشاره حسّیه در آنها وجود دارد مانند علم تفصیلی به نجاست هذا الاناء المعین. برخی از عناوین از شیء معین حکایت دارند اما امکان اشاره حسّیه در آنها نیست مانند علم به نجاست اناء زید مردّد بین دو اناء و برخی از عناوین محکّی متعدد داشته و به نحو تردیدیه از شیء حکایت دارند به صورتی که تردید در ذات این حکایت است. مانند علم به نجاست هذا الاناء او ذاک الاناء. در نوع سوم علم، ترکیبی از دو مفهوم همراه با اشاره حسّیه و او منفصلیه حقیقیه به کار رفته که از ترکیب این سه مفهوم، مفهومی وحدانی و به نحو تردیدی ایجاد شده است. از بین این سه نوع عنوان، عنوان سوم حقیقتا علم اجمالی است هر چند به عنوان دوم نیز می توان اطلاق علم اجمالی داشت. در عنوان سوم، از ابتدا نمی دانیم اناء زید نجس است یا اناء عمرو و تنها علم به نجاست یکی از این دو داریم. اما در عنوان دوم، علم به نجاست اناء زید داریم اما اناء زید مردّد بین دو اناء شده است.

 این سه علم **(نجاسه هذا الاناء، نجاست اناء زید المردّد بین الانائین، نجاسه هذا الاناء او ذاک الاناء)** با هم تفاوت داشته و تأثیرات آنها در انحلال علم اجمالی متفاوت است. به همین دلیل باید بین این سه عنوان و قضیه تفکیک قائل شده و تأثیر هر یک در انحلال را بررسی کرد.

در برخی از مباحث به نحو گذرا به انحلال علم اجمالی و فرق بین انحلال حقیقی و حکمی اشاره کرده ایم که آدرس آن از این قرار است: دروس فی علم الاصول[[4]](#footnote-4) ج 1، ص: 401 جلسه 81 به بعد.

**و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین**

محققین گرامی می توانند همه روزه دروس استاد (حفظه الله) را در کانال های ذیل پیگیری نمایند.

**ایتا**

اصول

**@mjshobeiriosul**

**ایتا**

فقه

@mjshobeirifegh

**سروش**

اصول

@mjshobeiri2

**سروش**

فقه

@mjshobeiri

 محقق گرامی؛ شما می­توانید انتقادات و پیشنهادات خود را نسبت به دروس روزانه، با شماره 09123519358 در میان بگذارید.

1. مباحث الأصول (تقریر حائری)، السید محمد باقر الصدر، ج3، ص330. [↑](#footnote-ref-1)
2. مباحث الأصول (تقریر حائری)، السید محمد باقر الصدر، ج4، ص150. [↑](#footnote-ref-2)
3. باید دانست: اصطلاح علم اجمالی به دو نحو کاربرد دارد. گاه علم اجمالی با وجود علم تفصیلی اطلاق می شود به این نحو که با علم تفصیلی به حضور زید در خانه علم اجمالی به حضور انسان در خانه وجود دارد و گاه علم اجمالی در جایی که علم تفصیلی وجود ندارد اطلاق می شود به این نحو که علم اجمالی به حضور زید یا عمرو در خانه دارم. علم اجمالی اول اساسا از محلّ بحث خارج است و در حقیقت علم به جامع و به نحو قضیه مهمله است نه آنکه علمی باشد که صلاحیت انطباق بر احد الفردین داشته باشد. پس بحث در جایی است که علم اجمالی وجود دارد که صلاحیت انطباق بر غیر معلوم به علم تفصیلی را داشته باشد. [↑](#footnote-ref-3)
4. تقریرات درس خارج استاد سید محمد جواد شبیری (دام ظله) [↑](#footnote-ref-4)